

وفاق؛ از ایده حکمرانی تا سرمایه مقاومت

صفحات ویژه هفته دولت را در «ایران» بخوانید

گفت و گو با
اسکندر مؤمنی، وزیر کشور
زهرابهرز آذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور
سید محمد بطحانی، معاون وزیر و رئیس سازمان امور اجتماعی

۱۳ ۱۱ ۱۰ ۹

سه‌شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۵
۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۲۵ آگوست ۲۰۲۶
سال سی و دوم
شماره ۹۱۰۶
۱۶ صفحه

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir



معاونین رئیس جمهور و وزرا روز اول هفته دولت پروژه‌های مختلفی را در استان‌ها افتتاح کردند

دولت پای کار مردم

مسعود پزشکیان در اولین روز هفته دولت در مراسم دیدار و تجلیل از خانواده‌های شهدای دولت در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد حضور یافت. رئیس جمهوری در این مراسم با گرامیداشت یاد شهدان رجایی و باهنر و دیگر شهدای انقلاب و دولت، بر ضرورت خدمت‌رسانی فراتر از گرایش‌های جناحی و سیاسی تأکید کرد و گفت برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع نیازهای مردم باید مبتنی بر شواهد علمی باشد.

← ۳

تأکید رئیس قوه قضائیه بر استمرار پیگیری‌ها در قضیه تراستی‌ها

۷/۵ میلیارد یورو رفع تعهدات ارزی شده است

← ۲

سپاه در بیانیه‌ای به مناسبت هفته دولت اعلام کرد

آمادگی برای همکاری با دولت علیه جنگ اقتصادی

روایت عارف از وعده رئیس مجلس:

«طرح مقابله با نفوذ» از دستور کار خارج می‌شود

← ۲

رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید به سروصداها توجهی ندارد

تخصیص ۷۰۰ همت بدون چاپ پول برای تأمین مالی تولید

← ۷



قالیاف در دیدار غاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان:

پیگیر اجرای شروط یادداشت تفاهم هستیم

دبیر شورای عالی امنیت ملی: آمریکا اقدامات عملی برای اجرای تفاهمنامه انجام دهد

← ۴

رئیس دفتر رئیس جمهور:

کاهش سهمیه‌های بنزین قطعی است

محسن حاجی میرزایی، رئیس دفتر رئیس جمهوری، درباره قیمت بنزین گفت: تفاوت قیمت بنزین با کشورهای اطراف زیاد شده است. تردیدی نیست که باید در وضعیت بنزین مداخله کنیم. بخشی از این مداخله به کاهش سهمیه‌ها برمی‌گردد. وقتی تولید در نتیجه جنگ کاهش پیدا کرده باید مصرف کاهش پیدا کند تا تولید متناسب با نیاز مصرفی باشد.

حاجی میرزایی گفت: در مورد سیاست‌های قیمتی که پیشنهاد شده نیز تردیدهایی وجود دارد و هنوز گزینه واحدی را نمی‌توانم اعلام کنم. اما می‌توانم اطمینان بدهم که هر تصمیمی با مردم در میان گذاشته خواهد شد. او گفت: آن چیزی که قطعی است اینکه سهمیه‌ها بدون تغییر قیمت کاهش پیدا می‌کند اما کسی بیش از سهمیه نخواهد بنزین خریداری کند قیمت بالاتری خواهد داشت. این قیمت بالاتر قابل بررسی است و اگر دولت تصمیمی در این باره بگیرد اعلام خواهد شد.

ماهانه حدود ۸۵ همت بابت کالابرگ پرداخت می‌شود

رئیس دفتر رئیس جمهوری همچنین در برنامه گفت‌وگو ویژه خبری کشنیه شب با اشاره به هدفگذاری برای چهار حوزه حیاتی برق،

افزایش مبلغ کالابرگ، این فشار را جبران کند. ما متعهد شده‌ایم و این را قبول داریم. تلاش می‌کنیم منابع آن را فراهم کنیم. او گفت: دولت تلاش دارد میزان کالابرگ برای بخشی از مردم را که نیاز بیشتری دارند، افزایش دهد. منابع درآمدی دولت آسیب درآمدهای آسیب‌دیده کشور، فرآیندی زمان‌بر است، اما دولت با تمام ظرفیت در این مسیر گام برمی‌دارد. دولت نه از معیشت مردم غافل است و نه متوقف است. شاید بیشترین جلسات دولت، به موضوع معیشت اختصاص داشته باشد آقای رئیس جمهوری همواره بر این اولویت تأکید دارند. هرچند بخشی از عوامل دست ما نیست، اما امیدواریم با بهبود شرایط، بتوانیم گره‌ها را بگشاییم. حاجی میرزایی بیان کرد: تحولات اخیر بعد از جنگ رمضان و توافقات شکل گرفته ظرفیت‌های بزرگ ایران را در عرصه‌های دیپلماتی و قدرت ملی به خوبی آشکار ساخت. برای حفظ و تداوم این قدرت، نیازمند وحدت و انسجام ملی هستیم. همه باید در این مسیر متعهد باشیم و بدانیم که حفظ این دستاوردها، مستلزم همراهی و همدلی همه آحاد کشور است. دولت نیز متعهد شده و تلاش می‌کند تا منابع لازم را برای تحقق این اهداف فراهم آورد.



افق باز فرهنگ نقد و نظر

پیشرفت می‌کند که اهل نظر به روایت حافظ بر کناره نروند:

شد آنکه اهل نظر بر کناره می‌رفتند هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش به بانگ جنگ بگویم آن حکایت‌ها که از نهفتن آن دیگ سینه می‌زد جوش (غزل ۲۸۳)

جوش دیگ سینه، مثل ویژگی ظروف مرتبه در جامعه تسری پیدا می‌کند. جامعه‌ای که اهل نظرش با هزار سخن خاموش باشند، نمی‌تواند دوام بیاورد. از درون آسیب می‌بیند و مانند شوری فرو می‌ریزد. در عصر طلایی و شکفت‌انگیز تمدن اسلامی که ایرانیان نقش کانونی در این تمدن‌سازی داشته‌اند، موقوفه‌هایی وجود داشت تا اهل نظری که مخالف بودند و یا حتی تکفیر شده بودند و یا به الحاد متهم بودند؛ ربع رشیدی خواجه رشیدالدین فضل‌الله آثار ابوبکر رازی که متهم به انکار نبوت بود. آثار طبیبی و فلسفی او استنساخ می‌شد. چنین بن اسحاق مسیحی بود. تکفیر شده بود. مدتی هم زندانی بود موقوفه بیت‌الحکمه بغداد هم‌وزن کتاب‌هایش به او طلا می‌داد؛ تا متون فلسفی یونانی را ترجمه کند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله بسیاری از کتاب‌های فلسفی و کلامی را که با حمله مغولان و فتوای فقیهان رسمی در معرض نابودی بود، نجات داد. در وقفنامه ربع رشیدی ردیف بودجه مخصوصی برای خطاطان و صحافان پیش‌بینی شده بود. کتاب‌های این کمونه که تکفیر شده بود در ربع رشیدی از همین بودجه نسخه‌نویسی شد و باقی ماند. شریف مرتضی در قصیده‌ای ابواسحاق صابیی را ستود! همان قصیده‌ای که در مجلس استیضاح مجلس پنجم به دادم رسید! چه اتفاقی افتاده است که شریف مرتضی شاعر و فقیه و عالم بزرگ شیعه و نقیب طالبیان و رئیس جامعه شیعیان بغداد، در سوگ فردی که مسلمان نبود چنان قصیده‌ای را سرود؟! آن قصیده برای فضایی طرح نقد و نظر و اندیشه. همیشه هم اختلاف نظر وجود داشته و دارد و خواهد داشت.

به تعبیر قرآن مجید: وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ «هود: ۱۱۸» «و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلافند.»

گوی سبک و سیاق جامعه نایک‌نواختی است! اگر همه انسان‌ها مثل هم بودند، مانند یک‌دیگر لباس می‌پوشیدند، مثل هم غذا می‌خوردند و شبیه هم می‌اندیشیدند و سخن می‌گفتند، تصور کنید چه زندگی کسالت‌بار مرک‌زایی بشریت را نابود می‌کرد! جامعه‌ای

شدم. چنانکه می‌دانید من در نقد نظر شاملو درباره فردوسی و شاهنامه ناشناسی احمد شاملو کتاب «گزند باد» را نوشتم. افزون بر آن در «حضور حافظ» به نقد حافظ ناشناسی او پرداخته‌ام. اما انتشار همه آثار منتشر نشده او نشانه تدبیر و خردمندی است. بایست به خانم آیدا سرکیسیان و همکاران ایشان در تنظیم این مجموعه تهنیت گفت و نیز به نشر چشمه و البته به همکاران ارجمند در معاونت فرهنگی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ما بایست با تجربه‌هایی که گاه بهایی‌هنگفت برای آن پرداخته‌ایم، همین رویه تسامح و مدارا را ادامه دهیم. در جهان جدید به‌روشنی پیداست که عصر ممنوعیت و سانسور سپری شده است؛ بویژه در عصر اینترنت و فضای مجازی. اگر با سختگیری جلوی نشر کتابی گرفته شود، این سختگیری مانع نشر نمی‌شود، کتاب به شکل‌های مختلف به دست خواننده می‌رسد. بر جدایت کتاب هم افزوده می‌شود. حقوق نویسنده و ناشر در این میان پامال می‌شود و کتاب نیز با کیفیت نامناسب چاپ می‌شود. من خود در دوران وزارت و چه پیش و پس از آن خریدار کتاب‌های ممنوعه از دستفروش‌های رویه‌روی دانشگاه تهران بوده‌ام! در نامه استیضاح از تعدادی کتاب نام برده بودند که چرا ارشاد اجازه چاپ داده است، همان کتاب‌هایی که آقای حمید رضا ترقی نماینده محترم مشهد روی تریبون مجلس چیده بود. این ماجرا همچنان ادامه داشت. اما تجربه و ارزیابی تجربه امر دیگری است.

انسان‌های خردمند از تجربه خود بهره می‌گیرند و نابخردان از این تجربه‌آموزی به دور و بلکه بی‌گانه‌اند. ما می‌بایست به این نکته توجه داشته باشیم که نمی‌توان جامعه را تک‌صدایی و تک‌سلیقه‌ای اداره کرد. مدام معادله تک‌مجهولی حل کرد.

شاهدیم که غذاخوری‌ها انواع و اقسام غذاها را عرضه می‌کنند تا بتوانند از تنوع مشتری استفاده کنند. تنوع در ساحت اندیشه و نظر که پیداست چه گستره و ژرفا و ارتفاعی دارد. بهترین شیوه اداره جامعه اقناع جامعه است. فضای طرح نقد و نظر و اندیشه. همیشه هم اختلاف نظر وجود داشته و دارد و خواهد داشت.

به تعبیر قرآن مجید: وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ «هود: ۱۱۸»

«و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلافند.»

گوی سبک و سیاق جامعه نایک‌نواختی است! اگر همه انسان‌ها مثل هم بودند، مانند یک‌دیگر لباس می‌پوشیدند، مثل هم غذا می‌خوردند و شبیه هم می‌اندیشیدند و سخن می‌گفتند، تصور کنید چه زندگی کسالت‌بار مرک‌زایی بشریت را نابود می‌کرد! جامعه‌ای

یکی از مضمون‌هایی که سال‌هاست علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب تا به امروز مطرح شده و می‌شود، موضوع سانسور است. در پیشنهاد جایگزین «بررسی» به جای سانسور، بخشی از مشکل سانسور شده است! سانسور در ساحت‌های مختلف کلمه و تصویر و یا نقاشی و سینما. البته ما هم به دلیل عدم شناخت و کج‌سلیقه‌ی به اندازه کافی، بلکه بیش از اندازه بهانه به دست داده‌ایم. آنها هم همان بهانه‌ها را هزاران برابر بزرگ کرده و در جهان جبار زده‌اند که نظام جمهوری اسلامی از اندیشه و هنری هراسد. در دولت مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و وزارت فرهنگ و ارشاد جناب مهندس میرسلیم؛ در سال ۱۳۷۵ آقای هاشمی رفسنجانی تا روی صندلی رئیس جمهوری برای اداره جلسه دولت نشستند؛ هنوز جلسه رسمی نشده بود به آقای مهندس میرسلیم گفتند: «چرا این فیلم آدم برقی را ممنوع کرده‌اید؟ چرا اجازه نمی‌دهید؟» پیدا بود پیش از آمدن به جلسه، آقای هاشمی آرم برقی را دیده بود. هنوز از توی فضای فیلم بیرون نیامده بود. آقای میرسلیم گفت: «بررسی می‌کنیم.» اگر هم بررسی کرده بودند به هر حال تا پایان وزارت ایشان فیلم آدم برقی در مهندس میرسلیم گفتند: «چرا این فیلم آدم برقی را ممنوع کرده‌اید؟ چرا اجازه نمی‌دهید؟» پیدا بود پیش از آمدن به جلسه، آقای هاشمی آرم برقی را دیده بود. هنوز از توی فضای فیلم بیرون نیامده بود. آقای میرسلیم گفت: «بررسی می‌کنیم.» اگر هم بررسی کرده بودند به هر حال تا پایان وزارت ایشان فیلم آدم برقی در

مهندس میرسلیم گفتند: «چرا این فیلم آدم برقی را ممنوع کرده‌اید؟ چرا اجازه نمی‌دهید؟» پیدا بود پیش از آمدن به جلسه، آقای هاشمی آرم برقی را دیده بود. هنوز از توی فضای فیلم بیرون نیامده بود. آقای میرسلیم گفت: «بررسی می‌کنیم.» اگر هم بررسی کرده بودند به هر حال تا پایان وزارت ایشان فیلم آدم برقی در

مهندس میرسلیم گفتند: «چرا این فیلم آدم برقی را ممنوع کرده‌اید؟ چرا اجازه نمی‌دهید؟» پیدا بود پیش از آمدن به جلسه، آقای هاشمی آرم برقی را دیده بود. هنوز از توی فضای فیلم بیرون نیامده بود. آقای میرسلیم گفت: «بررسی می‌کنیم.» اگر هم بررسی کرده بودند به هر حال تا پایان وزارت ایشان فیلم آدم برقی در

مهندس میرسلیم گفتند: «چرا این فیلم آدم برقی را ممنوع کرده‌اید؟ چرا اجازه نمی‌دهید؟» پیدا بود پیش از آمدن به جلسه، آقای هاشمی آرم برقی را دیده بود. هنوز از توی فضای فیلم بیرون نیامده بود. آقای میرسلیم گفت: «بررسی می‌کنیم.» اگر هم بررسی کرده بودند به هر حال تا پایان وزارت ایشان فیلم آدم برقی در

● بدون روتوش



محمد محسن فايضي
مبارشناس مسائل فلسطين

دنیای پس از ۷ اکتبر؛ بادبادک‌ها هم تهدیدند!

در سه روز گذشته دستکم چهارمترتبه هشتاد در شهرک های شهینوندی اطراف نوارغزه به صدا درآمد که در یکی از موارد هشتاد سطح بالا رفتن به پنجاهگانه یا خانه ها هم صادر شد. در همه موارد مشخص شد که ششدارها مربوط به ورود بادیادک یا پهبادهای «غاز» از نوارغزه به آن سوی زمرد: اصطلاحی که رسانه های غربی برای شبهه بادیادک های استفاده می کنند که ماهیت کارکرد آن برایشان سؤال درانگیز است.

اما جالب است که همین بادیادک‌ها چنان حساسیتی ایجاد کرد که نتانیاهو، کاتس، ارتش اسرائیل و... در سخنان یا بیانیه‌هایی شدید تهدید کردند که در صورت تکرار رسیدن آنها به داخل شهرک‌های اطراف نوار غزه، بمباران‌ها شروع می‌شود.

کاتس صراحتاً دیروز در واکنش به سؤال خبرنگاران گفته بود: «دستور داده ایم در برابر پرتاب بادیاده ها و بالن ها از نوار غزه، سیاست عدم مدارا در پیش گرفته شود.»

حماس هم در پاسخ به این تهدیدات در بیانیه‌ای نوشت: «نسبت به ادعاها و تهدیداتی که رژیم اشغالگر در مورد آنچه «رتاب هواپیمای کاغذی» می‌نامد، همدار می‌دهیم. این در حالی است که ارتش اسرائیل حدود ۷۰ درصد از اراضی نوار غزه را اشغال کرده است. این تهدیدات مبتنی بر پهنه جویی، تلاشی برای توجیه ادامه تجاوز و نقض حقوق مردم ماست»

اگرچه حماس و برخی تحلیلگران اقدامات و حساسیت اسرائیل را بهانه‌ای برای شعله ور کردن تنش در غزه و تداوم جنایات باالاحصا به توجه به نیاز تناب‌هاو به تنش زایی در آستانه انتخابات می‌دانند: اما وقتی نوع واکنش شخصیت‌ها و فضای رسانه‌ای داخلی عبی را مرور می‌کنیم متوجه می‌شویم از مسأله به طور واقعی برداشت نگرانی و تهدید دارند.

اما بپاره نیست که چراپی این حساسیت‌ها در افکار عمومی و افکار فکری را حتی نسبت به یک پادشاه انتقادی بزرگ و مافوق فکری را اکثربنیادی در همین راستا هتروژنی رئیس‌جمهوری اسرائیل در مراسم افتتاح مرکز نوآوری در یکی از همین شهرک‌ها اطراف نواغره هشار داد است: «ما در یک کشور که چهره‌پادشاهی در مناطق مرزی باعث نگرانی می‌شود. پس از ۷ کشور اسرائیل نباید نسبت به هیچ‌یک از نگرانی از سوی سبک‌ها این مناطق بی‌توجه باشد: اما همچنین نباید اجازه دهیم که هر پادشاهی ما به یاد اکثریت بیندازد.»

سخنان هژرتوگ نشان می دهد ماهیت و نگرش امنیتی جامعه صهیونیستی به این سادگی به ۶ اکتبر برنخواهد گشت؛ لذا بر همین اساس به باور تحلیلگر کانال ۱۴ حماس هم با درک همین مسأله اجازه اقداماتی کوچک اما تأثیرگذار بر شهرک نشینان را می دهد و به مرور این اقدامات را با اقداماتی مثل ارسال بان و پهپاد می عبور از خط زدست می کند؛ لذا باید قاطع پاسخ دریافت کند.



داده که هم‌اکنون کنترل قابل توجهی بر تنگه هرمز دارد. هیچ‌یک از این موارد برای آمریکا مطلوب نیست. اما هرچه زودتر باید این واقعیت جدید را بپذیریم که برای مصرف‌کنندگان، اقتصاد جهان و ثبات منطقه‌ای بهتر خواهد بود.

شاید پیامدهای تداوم حاکمیت ایران بر تنگه هرمز حتی بتواند رؤسای جمهور آینده آمریکا را حتی شخص ترامپ را از آغاز جنگ‌های پرخطر و غیرضروری منصرف کند.

منبع: The New York Times

نشان
منبع: The New York Times

بسته ماندن تنگه هرمز چقدر هزینه دارد؟

هایی که دستگاه‌های دریایی خود را خاموش می‌کنند. در راستا، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که از منظر دی، در شرایط کنونی، یک توافق مذبذمه‌شده برای عبور از منطقه‌ای تاریک، نمونه‌ای بدست‌مانده است؛ چراکه این وضعیت تنها تردد کشتی‌ها را مختل نکرده، بلکه، گاز، کوه‌های شیمیایی و به‌طور کلی تجارت دریایی تأثیر قرار داده و هزینه‌های زندگی و فشار اقتصادی بدین کشورها را تشدید کرده است.

میان، آنچه امکان چنین توافقی را بیش از پیش مطرح می‌کند، هم‌فشاری است که موقعیت جغرافیایی تنگه در اختیار دارد. ایران نشان داده که تهران می‌تواند به کنترل خود بر تنگه هرگز اسامه کند و بر جریان رانی و در نتیجه بر بازارهای انرژی تأثیر بگذارد. از همین است که ایران بدون دست‌نهایی به یک توافق سیاسی با ایالات که جایگاه راهبردی آن را به رسمیت نشناسد، از این فشار چشم‌پوشی کند.

پیش از آنکه آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه به ایران حمله کنند، تقریباً یک پارس صادرات جهانی نفت توسط ایران بستند تا اینکه خلیج فارس از طریق تنگه هرمز منقطع شود. حدود ۲۰۳ میلیون بشکه نفت در روز در دوران صلح از تنگه عبور می کرد؛ رفاهی که تقریباً معادل ۲۷ درصد تجارت دریای جهانی نفتی است. به گزارش الجزیره، یک روز پیش از آغاز جنگ، تنگه بزرگ برنت در نظر معاملات با قیمت ۷۲.۴۸ دلار به ازای هر بشکه بسته شد. پس از بسته شدن تنگه حدود ۱۴ هزار کشتی در دسوی تنگه گرفتار شدند. از نظر درآمدهای نفتی از دست رفته، این وضعیت به معنای ۱۱۴.۸ میلیارد دلار زیان در روز است. همجوشی زوانه حدود ۵ میلیارد دلار زیان نیز از معنای می کرد که ارزش آن ۷.۸ میلیارد مکهکب در روز دیگر بود. از زمان محاصره، کمتر از ۴ درصد تردد درون تنگه به ازای هر روز عبور کرده است. از جمله تنگه هایی که عبور از آن مقامات ایران دریافت کردند، این آمر شامل معجزات ناوگان های موسوم به «ناوگان سایه» می شود؛ یعنی

[illegible]

CH2=CH2	نوبت اول	CH2=CH2	CH2=CH2	CH2=CH2	CH2=CH2	CH2=CH2	CH2=CH2	CH2=CH2
CH2=CH2		اگهی فراخوان مزایده عمومی مزایده شماره ت م ز/۴/۴۰۵	پتروشیمی بندرامام بنابر اساس تصویب هیئت مدیره	شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی (ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مزایده عمومی با شرایط ذیل برگزار نماید.	۱- موضوع تجدید مزایده: فروش کاتالیست مستعمل Z-771 پتروشیمی بندر امام	۲- مدت اجرای موضوع مزایده: ۶ ماه شمسی	۳- مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.	۴- انواع تضمین های معتبر برای شرکت در مزایده:
CH2=CH2		۷- پاکات پیشنهاد قیمت مزایده گران در محل سالن جلسات کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی بندر امام به نشانی: استان خوزستان- بندر امام خمینی- منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی- سایت ۵- مجتمع پتروشیمی بندر امام، در حضور نماینده / نمایندگان پیشنهاد دهنده کشایش و پس از بررسی، نتیجه مزایده اعلام خواهد شد.			۱۴- ضمانت نامه بانکی	۲۰۴- واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مزایده	۲۴- مهلت توزیع اسناد مزایده: تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۵ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱	
CH2=CH2		زمان وتاریخ کشایش پاکات، ساعت ۹:۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱. تذکرا: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در اگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.			ضمناً مزایده گران می توانند جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس www.BIPC.ir مراجعه نمایند.	۶- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس بندر امام خمینی (ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵- شرکت پتروشیمی بندرامام - امور مراجعین، تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۳		
CH2=CH2		تذکرا: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می باشد.						
CH2=CH2		تذکرا: ضروری است مزایده گران، مجوزهای زیست محیطی مرتبط با موضوع مزایده را در یکی از دفترخانه های اسناد رسمی، کیبی برابر با اصل نموده و در پاکت "ب" قرار دهند. پاکت پیشنهاد قیمت مزایده گرانی که فاقد مجوزهای لازم از مراجع ذی صلاح برای تحویل کاتالیست باشد باز نخواهد شد.						
CH2=CH2		روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)						

CH2=CH2	نوبت اول آگهی فراخوان مزایده عمومی مزایده شماره ت م ز /۳/۴۰۵	CH2=CH2
CH2=CH2	۱- باکات پیشنهاد قیمت مزایده گران در محل سالن جلسات کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی بندر امام به نشانی: استان خوزستان - بندر امام خمینی - منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی - سایت ۵ - مجتمع پتروشیمی بندر امام، در حضور نماینده/ نمایندگان پیشنهاد دهنده گشایش و پس از بررسی، نتیجه مزایده اعلام خواهد شد. زمان وتاریخ گشایش باکات، ساعت ۱۰:۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱. تذکره ۱: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظائر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی اصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. تذکره ۲: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می باشد. تذکره ۳: ضروری است مزایده گران، مجوزهای زیست محیطی مرتبط باموضوع مزایده را در یکی از دفترخانه های اسناد رسمی، کپی برابر با اصل نموده و در پاکت "ب" قرار دهند. پاکت پیشنهاد قیمت مزایده گرانی که فاقد مجوزهای لازم از مراجع ذی صلاح برای تحویل کاتالیست باشد باز نخواهد شد.	CH2=CH2
CH2=CH2	روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)	CH2=CH2

[illegible]

شورای عالی شهرسازی گزارش تکمیلی شهرداری از نحوه تأمین منابع بازسازی را مطالبه کرد

بازسازی پس از جنگ، در چارچوب شهرسازی



گزارش

گروه اقتصادی

این تصمیم در اصل یک راه‌حل اضطراری برای جلوگیری از معطل ماندن خانوارهای آسیب‌دیده و ایجاد منابع لازم برای بازسازی بود. با این همه، تجربه تهران نشان می‌دهد هر ابزار شهرسازی، حتی اگر از دل یک ضرورت فوری بیرون آمده باشد، باید با دقت و اطلاعات روشن اجرا شود؛ چراکه تراکم صرفاً یک عدد در پروانه ساختمانی نیست و با ظرفیت آب، برق، ترافیک، حمل‌ونقل عمومی، مدرسه، درمان و کیفیت زندگی در محله‌ها پیوند دارد.

منابع بازسازی از کجا تأمین شد؟

نمایندگان شهرداری تهران در جلسه شورای عالی شهرسازی، گزارشی از اقدام‌های انجام‌شده برای بازسازی و تأمین مالی آن ارائه کردند. مجتبی طبعی، مدیرکل تدوین ضوابط، نظارت و صدور پروانه شهرداری تهران، توضیح داد که در گام نخست، تأمین تسهیلات بانکی و جلب مشارکت سازندگان برای بازسازی دنبال شده اما این مسیرها به نتیجه مورد انتظار نرسیده است؛ بنابراین شهرداری از ظرفیت مصوبات کمیسیون ماده ۵ استفاده کرده است. بر پایه آمار ارائه‌شده در جلسه، هزینه‌های بازسازی تا پایان بهمن ۱۴۰۴ حدود ۸ هزار میلیارد تومان بوده و درآمد ناشی از اجرای مصوبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ حدود ۸.۹ هزار میلیارد تومان رسیده است. همچنین شورای شهر تهران نیز ۸ هزار میلیارد تومان اعتبار برای جبران خسارت‌های ناشی از جنگ تصویب کرده است. این ارقام نشان می‌دهد بازسازی تهران، پروژه‌ای محدود و صرفاً عمرانی نبوده و نیازمند تجهیز منابع قابل توجهی بوده است. شهرداری نیز در گزارش خود بر اقدام‌های خدماتی و حمایتی انجام‌شده در دوره جنگ و پس از آن تأکید کرد؛ از تداوم خدمات حمل‌ونقل عمومی تا تلاش برای بازگرداندن چهره عادی به مناطق آسیب‌دیده.

بازسازی شهر پس از جنگ، فقط با بالا بردن دیوارهای فروریخته نیست، بلکه تصمیمی است که باید همزمان خانه آسیب‌دیده را به زندگی برگرداند و مراقب بود بار تازه‌ای برای شهر پرهزینه‌ای چون تهران نباشد. این دوگانه، محور جلسه اخیر شورای عالی شهرسازی و معماری بود. جلسه‌ای که به بررسی روند استفاده شهرداری تهران از مشوق‌های تراکمی برای تأمین منابع بازسازی اختصاص یافت. در این نشست، نه‌اصل ضرورت بازسازی محل اختلاف بود و نه نقش مدیریت شهری در روزه‌های دشوار خدمت‌رسانی به مردم. پرسش اصلی، چگونگی ادامه این مسیر بود: مشوقی که برای شرایط اضطراری و بازسازی املاک کاملاً تخریب‌شده طراحی شده، چگونه اجرا می‌شود و برای ادامه آن چه سازوکاری باید در نظر گرفت تا هم سرعت بازسازی حفظ شود و هم قواعد شهرسازی و منافع بلندمدت پایتخت آسیب‌نبیند؟

مشوقی برای خانه‌های ویران شده

مصوبات ۷۱۲ و ۷۱۶ کمیسیون ماده ۵ تهران، در پی جنگ ۱۲ روزه و با هدف تسهیل بازسازی املاک کاملاً تخریب‌شده صادر شد. براساس این مصوبات، امکان بهره‌گیری از تراکم تشویقی تا سقف ۵۰ درصد تراکم مجاز برای پلاک آسیب‌دیده پیش‌بینی شده بود. در مواردی نیز که به دلایل فنی و شهرسازی، امکان استفاده از این ظرفیت در همان محل وجود نداشت، انتقال آن به پلاکی مشخص به‌عنوان مقصد قابل بررسی بود.

درخواست شورا: جزئیات برای تصمیم دقیق‌تر

اما شورای عالی شهرسازی و معماری معتقد است برای ارزیابی کامل این تجربه، اطلاعات دقیق‌تری لازم است. دبیرخانه شورا در جلسه اخیر خواستار ارائه گزارش روشن از تعداد پلاک‌های بهره‌مند از مشوق، میزان تراکم اختصاص یافته، محل پلاک‌های مقصد و انطباق فرآیند اجرا با سقف‌های پیش‌بینی شده در مصوبات شد. در این جلسه غلامرضا کاظمیان معاون شهرسازی و معماری وزیر راه و شهرسازی و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ضمن قدردانی از تلاش‌های شهرداری در بازسازی، تأکید کرد که پیگیری شورا ناظر بر وظیفه قانونی آن در نظارت بر اجرای ضوابط شهرسازی است. به گفته او، هدف از درخواست مستندات، ایجاد مانع در مسیر بازسازی با نادیده گرفتن خدمات مدیریت شهری نیست؛ بلکه باید روشن باشد ظرفیت‌های تشویقی در چه محدوده‌ای و با چه آثار بلندمدتی به کار گرفته شده‌اند. این تأکید از آن جهت اهمیت دارد که تهران پیش از جنگ نیز با مسأله تمرکز جمعیت، فشار بر زیرساخت‌ها و کمبود برخی سرنهادهای خدماتی روبرو بوده است. بنابراین هر تصمیمی برای افزایش ظرفیت ساخت‌وساز، باید در کنار نیاز فوری به بازسازی، پاسخ روشنی برای نیازهای فردای شهر نیز داشته باشد.

از تجربه اضطراری تا الگوی پایدار

در جلسه شورای عالی، موضوع تعمیم مشوق‌های پیش‌بینی شده برای جنگ ۱۲ روزه به آسیب‌های ناشی از جنگ ۴۰ روزه نیز مطرح شد. شهرداری تهران معتقد بود توقف در انتظار مصوبات جدید می‌توانست روند خدمت‌رسانی و بازسازی را با وقفه مواجه کند. در مقابل، دبیرخانه شورای عالی بر این نکته دست گذاشت که گسترش دامنه یک مصوبه اضطراری، نیازمند بررسی مجدد و اتخاذ تصمیمی روشن در مرجع قانونی است. در واقع، بحث اصلی نه بر سر توقف بازسازی، بلکه بر سر تبدیل یک تجربه اضطراری به سازوکاری منظم، شفاف و قابل تکرار است. سازوکاری که در بحران‌های احتمالی آینده نیز نتواند بدون ابهام، با سرعت و در عین حال با رعایت منافع عمومی عمل کند. در این جلسه همچنین مقرر شد شهرداری تهران در نشست آینده کمیسیون ماده ۵، گزارش جامع‌تری از روند اجرای مشوق‌های تراکمی ارائه کند و همزمان، ارزیابی خود از آثار مثبت و چالش‌های این روش و پیشنهادهایی و صرفاً عمرانی نبوده و نیازمند تجهیز منابع قابل توجهی بوده است. شهرداری نیز در گزارش خود بر اقدام‌های خدماتی و حمایتی انجام‌شده در دوره جنگ و پس از آن تأکید کرد؛ از تداوم خدمات حمل‌ونقل عمومی تا تلاش برای بازگرداندن چهره عادی به مناطق آسیب‌دیده.

اقتصادی

رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید به سروصداها توجهی ندارد

تخصیص ۷۰۰ همت بدون چاپ پول برای تأمین مالی تولید



استقبال خوبی از این ابزارها صورت گرفته و عملکرد آنها نیز نسبت به سال گذشته افزایش یافته است؛ به طوری که در چهار ماهه امسال به ۱۹۷ همت رسیده است. «ماجد تأکید کرد: «مزیت این ابزارها آن است که در زنجیره تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند و پیوسته می‌توانند به تولیدکنندگان حاضر در این زنجیره کمک کنند.»

توافق واردکنندگان و صادرکنندگان

حسین تاجیک‌نژاد، مدیر اداره تخصیص ارز بانک مرکزی نیز در این نشست، گفت: «امسال در بانک مرکزی تلاش شد روند صادرات و روش‌های بازگشت ارز تسهیل شود و در همین راستا، سازوکارهایی مانند توافق مستقیم میان واردکننده و صادرکننده و حذف برخی واسطه‌ها ایجاد شده است. وی بیان کرد: «در بانک مرکزی وارد سیاست تجاری نمی‌شویم و تصمیم‌گیری در این حوزه به عهده دستگاه‌های تخصصی است؛ البته پیشنهادها خود را ارائه می‌کنیم اما در سیاست‌گذاری تجاری دخالت نمی‌کنیم.» تاجیک‌نژاد افزود: «در خصوص مهلت اعتبار تخصیص ارز نیز نمی‌توان صرفاً با افزایش این مهلت از یک ماه به دو یا سه ماه موافقت کرد، چراکه در این صورت باید ارز را برای مدت طولانی‌تر که داریم و صف تخصیص ارز نیز طولانی‌تر می‌شود. به همین دلیل، در سامانه این امکان را ایجاد کرده‌ایم که متقاضی اعلام کند روال مورد نیاز را در اختیار دارد و پس از آن تخصیص ارز انجام شود.»

مدیر اداره تخصیص ارز بانک مرکزی عنوان کرد: «در موضوع مقایرت‌های سامانه جامع تجارت نیز در حال پیگیری و رفع مشکلات هستیم.»

پولی-بانکی

گروه اقتصادی

رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان از طریق ابزارهای تأمین مالی و بدون اتکا به چاپ پول در نظر گرفته شده است. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، عبدالناصر همتی در نشست با اعضای مجمع کارآفرینان ایران با اشاره به شرایط سخت کشور و تأکید بر ضرورت صحبت صادقانه با مردم گفت: «شرایطی که در ۶ ماه گذشته داشتیم بسیار سخت بود، اما مجموعه دولت و بانک مرکزی تلاش کردند با وجود مشکلات جدی مردم، جریان زندگی در کشور ادامه داشته باشد و تاباوری داشته باشیم.»

وی تأکید کرد: «سختی کشیدن، با فروپاشی و آنچه آمریکا به دنبال آن است، تفاوت دارد. صحبت کردن درباره مشکلات به معنی سیاه‌نمایی نیست و مردم شرایط کشور را به خوبی درک می‌کنند.» همتی تصریح کرد: «در سال ۹۹ کل درآمد نفت و گاز دولت ۷ میلیارد دلار بود. در آن شرایط که ترامپ روی کار بود، ایستادگی کردیم و آن شرایط را گذرانندیم و در حال حاضر نیز گذر خواهیم کرد.»

رئیس کل بانک مرکزی اظهار کرد: «مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی، کنترل تورم است و دولت نیز باید در دستیابی به همین هدف به بانک مرکزی کمک کند. نمی‌توانیم بی‌هدف، پول چاپ کنیم و نقدینگی را بالا ببریم.» همتی افزود: «۲ هزار میلیارد دلار برای صنعت تا پایان سال تأمین ارز انجام خواهیم داد و به سروصداها توجه نمی‌کنیم، متأسفانه مقررات دست‌وپاگیر زیادی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان وضع شده که باید این موضوعات را حل کنیم. ممکن است منشأ ارز برای برخی کالاها بی‌اهمیت کنیم و به تولیدکنندگان اعتماد کنیم.»

رئیس کل بانک مرکزی تأکید کرد: «آمریکا در همه طرح‌های تحریمی خود تلاش می‌کند و اشتغال را در کشور با مشکل مواجه کند، اما کلید حل اشتغال در کشور افزایش تولید است. در این شرایط خاص توانستیم شتاب تورم را

صندوق قرض‌الحسنه
امداد ولایت

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی
(یک مرحله‌ای) شماره ۰۱-۴۰۵

مناقصه‌گزار: مؤسسه غیر تجاری صندوق قرض الحسنه امداد ولایت

موضوع مناقصه: خرید ریبون مشکی دستگاه چاپگر کارت بانکی SMART 51

مهلت دریافت اسناد مناقصه: از روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۵/۳۱ لغایت روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ (از ساعت ۸ الی ۱۴) غیر از ایام تعطیل رسمی، می‌باشد. لذا مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به‌صورت حضوری، یا همراه داشتن معرفی‌نامه کتبی و کارت شناسایی معتبر به نشانی مناقصه‌گزار مراجعه نمایند و یا از طریق درگاه اینترنتی مناقصه‌گزار به نشانی www.sqev.ir اقدام نمایند.

مهلت تحویل پاکات: روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ تا ساعت ۱۴

زمان بازگشایی پاکات: روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ ساعت ۱۰ صبح - حضور مناقصه‌گران در جلسه بازگشایی پاکات اختیاری می‌باشد. (در صورت حضور مناقصه‌گران در جلسه بازگشایی پاکات، داشتن معرفی‌نامه کتبی الزامی است).

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ بیست و چهار میلیارد (۲۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به نفع مناقصه‌گزار و یا واریز وجه نقد.

نشانی جهت تحویل اسناد مناقصه: تهران، میدان آزادی، ابتدای بزرگراه شهید لشگری، ساختمان کمیته امداد امام خمینی(ره)، طبقه سوم، صندوق قرض الحسنه امداد ولایت، اداره پشتیبانی و تدارکات کدپستی ۱۳۹۱۷۱۵۱۱۴ - تلفن ۰۲۱-۳۳۹۰۲۷۷۷.

« هزینه چاپ و درج این آگهی
از برنده یا برندگان مناقصه دریافت خواهد شد »

آگهی مناقصه عمومی صنایع
خودروسازی شهید شاهمهرادی اصفهان

شماره مناقصه ۴۱-۱۴۰۵/۱۰-۰۱

این صنایع در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مناقصه از تأمین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲

جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.

۱- خرید چسب فلز
۲- خرید چسب شیشه

هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی صنایع شهید شاهمهرادی زرین خودرو (اصفهان)

صندوق قرض‌الحسنه
بندر امام

نوبت اول

آگهی فراخوان مزایده عمومی
مزایده شماره ت م ز/۴/۴۰۵

۷- پاکات پیشنهاد قیمت مزایده‌گران در محل سالن جلسات کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی بندر امام به نشانی: استان خوزستان- بندر امام خمینی- منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی- سایت ۵ - مجتمع پتروشیمی بندر امام، در حضور نماینده/ نمایندگان پیشنهاد دهنده گشایش و پس از بررسی، نتیجه مزایده اعلام خواهد شد. زمان و تاریخ گشایش پاکات، ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳

تذکره: و پیشنهادهایی که فاقد سبده یا امضای مشروط و مخدوش و سبده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکره: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.

تذکره: ضروری است مزایده‌گران، مجوزهای زیست محیطی مرتبط با موضوع مزایده را در یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی، کیبی برابر با اصل نموده و در پاکت " ب " قرار دهند. پاکت پیشنهاد قیمت مزایده‌گرانی که فاقد مجوزهای لازم از مراجع ذی صلاح برای تحویل کاتالیست باشد یا نخواهد شد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

صندوق قرض‌الحسنه
بندر امام

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
تأوم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره م ن /۱۹/۴۰۵

۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس فوق‌الذکر - امور مراجعین حراست تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲

۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳ در مجتمع پتروشیمی بندر امام

۱۰- امکان حضور مناقصه‌گران به‌صورت مشارکتی در مناقصه حاضر میسر نمی‌باشد و به درخواست‌های مشارکتی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۱- مناقصه‌گرانی که در زمان برگزاری فرآیند مناقصه حاضر، سه قرارداد در دست اجرا به ظرفیت شرکت پتروشیمی بندر امام داشته باشند، مجاز به شرکت در این مناقصه نخواهند بود.

تذکره: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.

تذکره: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب ننماید.

تذکره: به پیشنهادهایی که فاقد سبده یا امضای مشروط، مخدوش و سبده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکره: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)



انسجام ملی،
محصول عدالت،
مشارکت و احساس
تعلق است

معاون امور
زنان و خانواده
رئیس جمهوری
در گفت‌وگو با «ایران»

وفاق
مقوم انسجام
شد

اسکندر مؤمنی
وزیر کشور
در گفت‌وگو
با «ایران»

سه‌شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۵
۱۳ ربيع الاول ۱۴۴۸ • ۲۵ آگوست ۲۰۲۴
سال سی و دوم
شماره ۹۱۰۶ • ۴ صفحه
Tuesday • 25 August 2026

IranDaily
Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)

irannewspaper.ir

پایداری
ایران

«ایران» نقش گفتمان دولت چهاردهم را
در تقویت انسجام ملی بررسی می‌کند

وفاق؛ از ایده حکمرانی تا سرمایه مقاومت

• برش •

انسجام اجتماعی؛ وحدت در خیابان

دولتی که خود را متعلق به همه ملت ایران دانست و التزام داد تا منافع ملی را بر هر منفعت دیگری اولویت دهد، در عمل توانست با وجود همه مشکلات و سختی‌های اقتصادی و معیشتی که می‌توانند مسیبان اصلی یک گسست قرار بگیرند، کشور را در مسیر ترمیم شکاف‌های اجتماعی و شکل دادن به یک انسجام مثال‌زدنی قرار دهد. به‌جز سهیم ساختن زنان، اقلیت‌ها و اقوام در مدیریت کشور، آنچه سبب توفیق دولت در این امر شد، به رسمیت شناختن مطالبات و جلوگیری از اتخاذ و اجرای تصمیم‌ها و سیاست‌هایی بود که می‌توانست به تعمیق شکاف‌ها و چه بسا تکرار بحران‌های اجتماعی منتهی شود. در یکی از مهم‌ترین این موارد، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، توانست نهادهای عالی کشور را برای جلوگیری از اجرای قوانینی همگرا کند که اگر به اجرا می‌رسید، هیچ بعید نبود تکرار بحرانی همچون آنچه در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ روی داد را در پی داشته باشد. اما برخلاف آن سناریو، رویکردی که دولت پی گرفت و سعی کرد به موضع دیگر نهادهای نیز تعمیم و تسری دهد، نتیجه‌اش را در تجمعات مردم در میدان و خیابان نشان داد؛ برای حضور جوانان ایرانی و دفاع

روشنی از تجدید و نو شدن این دولت است. وفاق، با همه کاستی‌ها و مشکلاتی که پیش رو داشت، توانست نقطه اشتراک پخش‌های متکثر جامعه و نفی‌کننده همه اختلافات در برابر تهدید تمامیت ارضی تبدیل‌کند؛ زیرا در سایه گفتگمانی که بنیان نهاد، مفهوم «همه ایران» را بر «همه اختلاف‌ها» مقدم کرد

و بحران‌های پیش روی کشور، اثر داشته است. مصداق عینی چنین تأثیری را می‌شد در تصمیم شورای عالی امنیت ملی به تعلیق اجرای قانون عفاف و حجاب یا در رأی اکثریت اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب لوایح مرتبط با عضویت جمهوری اسلامی ایران در گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، پس از حدود ۱۳ سال معلق بودن وضعیت آن لوایح، مشاهده کرد.

انسجام و وحدت درونی که بین اجزای حاکمیت شکل گرفت، چنان بود که برخلاف همه ادوار گذشته که غیرهمسو بودن دولت و مجلس، به دلیل تعارض‌های جدی سیاسی، در مسیر اصلاح امور ایجاد مانع می‌کرد، در این دوره، باوجود همسو نبودن اکثریت کرسی‌های مجلس با رویکرد سیاستی دولت چهاردهم، نوعی همکاری خارج از انتظار بین دو قوه شکل گرفت. هرچند نمی‌توان انکار کرد که در این همکاری و همگرایی، شخص محمدباقر قالیباف نقش بی‌بدیلی ایفا کرد. او به عنوان شخصیتی که رقیب انتخاباتی پزشکیان بود و در مجلس نیز انتخابش از سوی اکثریت نمایندگان به ریاست، از نفوذ و اقبالش حکایت داشت، به یکی از ستون‌های اصلی خیمه وفاق و انسجام تبدیل شد؛ تا آنجا که در پی جنگ رمضان و ضرورت تلاش برای متوقف کردن جنگ تحمیل‌شده، این قالیباف بود که به اصرار و خواست رئیس‌جمهوری و البته با حکم رهبر انقلاب، مسئولیت اصلی تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی ایران را بر عهده گرفت؛ حتی به قیمت اینکه پایه‌های دولت و وزارت امور خارجه، سیل شدیدترین حملات و هتاک‌های معتقدان به ایده «جنگ بی‌پایان» قرار گیرد. انسجام و وحدتی که برپایه ایده

وفاق دولت چهاردهم و البته متأثر از الزامات ناشی از جنگ تحمیلی شکل گرفت، چنان بود که در نحو غالب و با صرف‌نظر از معدود دست‌اندا‌زهای ایجادشده از سوی جریان اقلیت تندرو، حکایت از آن داشت که گفتمان وفاق بر روابط و تصمیمات قوای سه‌گانه و نهادهای عالی همچون شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، با هدف گره‌گشایی از مسائل

که در آن روز مسعود پزشکیان اظهار کرد، دولت وفاق «میدان جدیدی برای همکاری درون حکومت، بین حکومت و جامعه و درون جامعه» بود. تکیه ایده وفاق، برخلاف ایده‌های پیشین، صرفاً بر شعارها و ایده‌آل‌های بعضاً انتزاعی و فاقد آثار عینی در انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها نبود؛ بلکه برعکس، ارجاعات مشخص و معینی در دولت، از شکل‌گیری تا تعامل با سایر نهادها و قوا و تا پیگیری خواست افشار مختلف مردم داشت.

وفاق سیاسی؛ انسجام در درون

در وهله اول، آنچه دولت وفاق را متفاوت می‌ساخت، نحوه شکل‌گیری و انتخاب سطوح مختلف مدیران عالی دولت بود. دولت پزشکیان الزاماً بنا نداشت دولتی ائتلافی به معنای شرکت سه‌جانبه و مشخص‌کننده سهم و تعداد کرسی‌های مدیریتی برای هر یک از احزاب و جریان‌های حامی و همراه باشد. اما در عین حال، اراده و اصرار رئیس‌جمهوری در روند انتخاب معاونان و وزرای کابینه از طریق شکل دادن به کمیته‌های تخصصی و ارجحیت دادن به تخصص، تجربه و اثرگذاری که هر فرد می‌توانست در حوزه مسئولیتش داشته باشد و ادامه همین رویه، سبب شد دولت چهاردهم از حیث حضور اعضای منتسب به جریان‌های سیاسی مختلف و نیز تعدد مدیران زن و حضور اقوام و مذاهب، اعم از کرد و بلوچ و اهل سنت، در سطوح عالی مدیریت اجرایی کشور، به یک رکورد معنادار دست پیدا کند.

به این ترتیب، وفاق در عرصه سیاسی در وهله اول با حضور مدیرانی از طیف‌های مختلف اصول‌گرای و اصلاح‌طلبی و چه‌بسا جریان‌های رقیب تجلی یافت و سپس به سطح مراودات بین‌نهادی و بین‌قوای تسری پیدا کرد. مروری بر تحولات و تصمیم‌گیری‌هایی که بویژه در مورد مسائل مهم کشور انجام شد، به نحو غالب و با صرف‌نظر از معدود دست‌اندا‌زهای ایجادشده از سوی جریان اقلیت تندرو، حکایت از آن داشت که گفتمان وفاق بر روابط و تصمیمات قوای سه‌گانه و نهادهای عالی همچون شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، با هدف گره‌گشایی از مسائل

• گزارش •

همراهه خوارزمی

گروه سیاسی

۲۷ مرداد ۱۴۰۳، وقتی مسعود پزشکیان در پیشگاه نمایندگان مجلس، دولتش را «دولت وفاق ملی» معرفی کرد و در توضیح چیرستی آن بیان کرد یعنی «دولتی که خود را متعلق به همه ملت ایران، موظف به تأمین حقوق شهروندی همه ایرانیان و ملتزم به اولویت بخشیدن به منافع ملی بر هر منفعت دیگری می‌داند»، کمتر کسی گمان می‌کرد که طرح‌ریزی و بنا گذاشتن چنین گفتمانی به یکی از بنیان‌های اصلی مقاومت ملی و پیروزی ایران در هنگامه مواجهه با جنگی تمام‌شود که اتفاقاً حدود دو هفته پیش از همان سخنرانی و با ترور یکی از میهمانان مراسم تحلیف، نشانه‌های جدی آغاز شدنش پدیدار گشته بود و بعد در دو مقطع ۱۲ روزه و ۲۹ روزه، به تمام‌عیارترین شکل ممکن از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران تحمیل شد. واقعیت امر این بود که چنین دیدگاهی در برخی ادوار گذشته دولت نیز با ادبیاتی کمابیش مشابه مطرح شده بود؛ از «ایران برای همه ایرانیان» که یکی از شعارهای اصلاح‌طلبان بود تا تأکید اعتدال‌گرایان بر «حقوق شهروندی» و «صلح، آشتی و اخلاق» و حتی با مقداری تسامح، شعار «دولت مردمی؛ ایران قوی» در دولت سیزدهم. اینها شعارها و ایده‌هایی بودند که هر یک به نحوی خواست دولت برای معرفی کردن خود به عنوان نماینده عالی و حافظ منافع همه مردم ایران، از هر قشر و به هر عقیده را به نمایش می‌گذاشتند.

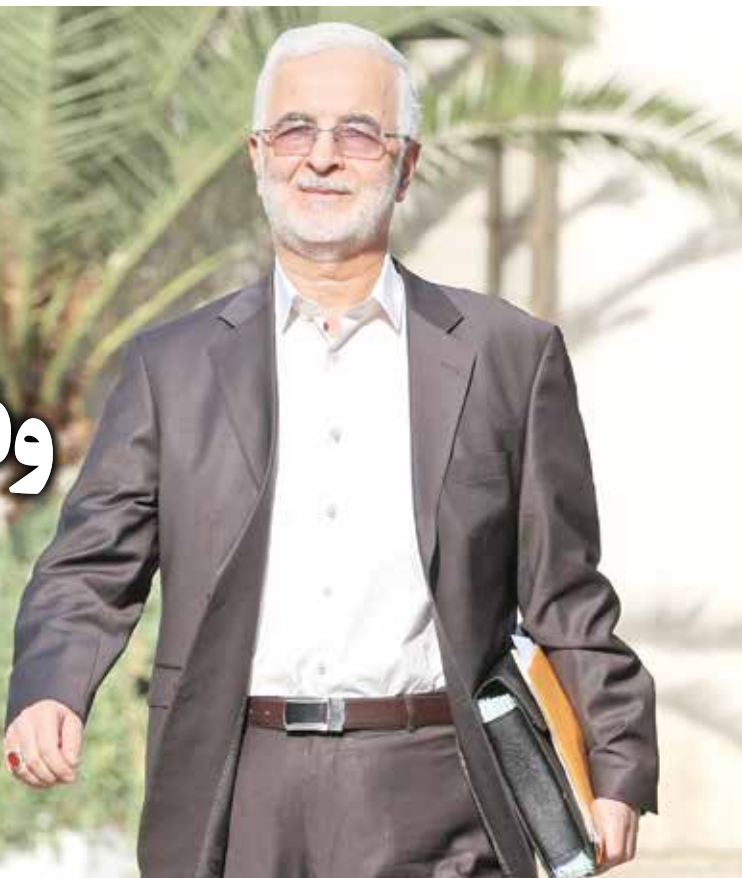
با این حال، وفاق ملی برای تبدیل شدن به بنیانی انسجام و وحدت، از همان گام‌های اول در مسیری پیش رفت که شکل دادن به یک اکثریت منسجم و هم‌صدا در هنگام مواجهه با دشمن خارجی و امکان صرف‌نظر کردن طیف گسترده‌ای از افراد جامعه از مسائل مورد اختلاف و اعتراض را در برزنگه نیاز کشور به همدلی و وحدت ممکن ساخت. چه اینکه همان طور

دی و تراشیدن توجیه بشردوستانه از آن ادعا برای جنگی که به مردم ایران تحمیل کرد، بی‌اعتبار شد. اینچنین بود که در میدان خیابان بودند مردمی که در زمره معترضان بودند یا حتی عزیزی در میان جانباختگان داشتند اما در صحنه دفاع از وطن و مقاومت برابر دشمن جاهتی برای به میان کشیدن شکایت‌ها و گلایه‌ها نمی‌دیدند. از این منظر، گفتمان دولت چهاردهم، یعنی «وفاق ملی» را که بن‌مایه سلسله تحولات انسجام‌بخش پس از آن قرار گرفت، نمی‌توان صرفاً یک راهبرد برای اداره دولت یا سازوکاری برای کاهش اختلافات سیاسی دانست؛ وفاق در این دوره به‌تدریج به بخشی از ظرفیت بازآرندگی و قدرت ملی ایران تبدیل شد. در واقع، هر اندازه که دشمن روی شکاف‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حساب باز کرده بود، شکل‌گیری این همبستگی محاسباتش را دشوارتر کرد. دولت وفاق، با همه کاستی‌ها و مشکلاتی که پیش رو داشت، توانست «ایران» را به نقطه اشتراک بخش‌های متکثر جامعه و نفی‌کننده همه اختلافات در برابر تهدید تمامیت ارضی و منافع ملی تبدیل کند؛ زیرا در سایه گفتمانی که بنیان نهاد، مفهوم «همه ایران» را بر «همه اختلاف‌ها» مقدم کرد.

همبستگی تاریخی بود. شاید و چه‌بسا حتماً، تجلی همین همبستگی ملی بود که دشمن را به صرافت انداخت تا پیش از آغاز جنگی دیگر علیه ایران، با تشدید تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم و نیز با بیرون کشیدن عروسک خیمه‌شب‌بازی از جعبه جهره‌های اعتراضات اقتصادی به حق مردم را به نفع خود مصادره کند و بعد با گسیل داشتن مزدوران خود به میان مردم، بشود عامل آن حوادث تلخی که در ۱۸ و ۱۹ دی رقم خورد.

همدردی با جامعه در شرایطی که به هر ترتیب، در جریان آن رویداد شاهد جان باختن بیش از ۳ هزار تن از فرزندانیش بود، کار آسانی نبود. با این حال، وقتی دولت چهاردهم با دستور رئیس‌جمهوری سامانه «همدرد» را ایجاد کرد تا در آن اسامی همه شهدای آن حوادث، فارغ از اینکه در کدام سمت ایستاده بودند، اعلام شود و اگر نامی جا ماند، با اعلام مستندات و راستی‌آزمایی به سامانه افزوده شود و نیز مردم شاهد آن بودند که مسئولانی به نمایندگی دولت به دیدار خانواده جانباختگان رفتند؛ پیشاپیش سناریوی طراحی شده دشمن برای ادعای کشته شدن ده‌ها هزار نفر در جریان اتفاقات ۱۸ و ۱۹





اسکندر مؤمنی، وزیر کشور در گفت‌وگو با «ایران»:

وفاق مقوم انسجام‌شد

تقویض اختیار به استانداران اگر نبود خیلی از کارهای مردم روی زمین می‌ماند

• گفت‌وگو •

الهام یوسفی- گروه سیاسی / دولت مسعود پزشکیان در حالی فعالیت خود را آغاز کرد که

کشور با مجموعه‌ای از بحران‌ها و چالش‌های کم‌سابقه در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو بود؛ از ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و تبعات امنیتی آن گرفته تا وقوع دو جنگ تحمیلی در فاصله کمتر از یک سال و تلاش مستمر دشمن برای ایجاد شکاف، اختلاف و دوگانگی در جامعه و ساختار سیاسی کشور. در چنین شرایطی، مدیریت امور داخلی و حفظ ثبات و آرامش کشور به یکی از مهم‌ترین آزمون‌های دولت وفاق ملی تبدیل شد؛ آزمونی که وزارت کشور به عنوان متولی اصلی مدیریت سیاسی، اجتماعی، امنیت داخلی و امور استان‌ها، بخش مهمی از بار آن را بر دوش داشت. در این میان، عملکرد وزارت کشور در دو سال گذشته و بویژه در جریان بحران‌ها و جنگ‌های اخیر، از منظر نحوه مدیریت استان‌ها، حفظ امنیت عمومی، صیانت از مرزها، تأمین نیازهای اساسی مردم و جلوگیری از شکل‌گیری خلأهای مدیریتی، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. حفاظت از جان و مال مردم، تأمین

است بر اساس این رویکرد، از تمامی ظرفیت‌های موجود در کشور برای تقویت همبستگی ملی استفاده کند. شعار «وفاق ملی» دولت دکتر پزشکیان نیز زمینه همبستگی بیشتر در روزهای سخت جنگ تحمیلی، حضور و همراهی اقشار مختلف جامعه، اعم از اقوام، مذاهب و جریان‌های سیاسی را فراهم کرد. در طول این مدت نیز حفظ انسجام و یکپارچگی ملی به‌طور مستمر از طریق ابلاغیه‌ها و مصوبات در سطوح مختلف مورد تأکید قرار گرفت؛ بویژه در زمینه تجمعات شبانه تلاش می‌ا این بود که این برنامه‌ها و اقدامات، بیشترین میزان انسجام را ایجاد کرده و پیام وحدت، یکپارچگی و دفاع از کشور را به جامعه منتقل کند. چرا که امروز همه ما در میدان روایت و تبیین واقعیت‌های جنگ علیه ملت ایران مسئولیت داریم. هر اقدامی که به تضعیف انسجام ملی، ناآمدی‌سازی مردم یا تخریب مسئولان منجر شود، برخلاف منافع ملی است.

هم در ایام جنگ تحمیلی ۱۲روزه و هم جنگ‌رمضان جابه‌جایی تعداد زیادی از شهروندان و بویژه تمرکز بیش از حد جمعیت در استان‌های شمالی، یکی از نمودهای برجسته شرایط پال‌لتهاپ بود. با این حال، شاهد مشکل حادی مانند کمبود محسوس کالا، درگیری در فروشگاه‌ها، مشکل جدی در تأمین بنزین یا بروز مسائل امنیتی نبودیم. وزارت کشور چگونه این وضعیت را مدیریت کرد و آیا از قبل پیش‌بینی و آمادگی لازم وجود داشت؟

در حوزه اقتصادی، یکی از اولویت‌های اصلی، اطمینان از استمرار تأمین و توزیع کالاها ی اساسی بود. در حوزه توزیع کالا، کارگروه‌های تنظیم بازار در سطح ملی و استانی به‌صورت مستمر فعال بودند و با نظارت بر زنجیره توزیع و مقابله با احتکار، از ایجاد کمبود جلوگیری کردند. برای نمونه، استانداران سیستان و بلوچستان و آذربایجان



غربی در تأمین و توزیع کالا برای سایر استان‌ها نیز مشارکت داشتند. در کنار آن، تدابیر لازم برای مقابله با اقدامات دشمن در مسیرهای دریایی و جلوگیری از اختلال در روند تأمین کالا نیز پیش‌بینی و اجرا شد. ایران بزرگ محاصره‌ناپذیر است. در همین راستا وزارت کشور نیز با صدور دستور به استانداران مرزی، بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی، تقویض اختیارات و ابتکارات لازم برای تأمین نیازهای کشور تأکید کرد. معاونت هماهنگی امور اقتصادی و زارتخانه نیز گزارش روزانه استان‌ها را اخذ می‌کرد و هماهنگی‌های لازم را با دیگر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها در مرکز انجام می‌داد. در حوزه تأمین کالاهای اساسی و مواد اولیه صنایع، اختیارات کم‌سابقه‌ای به استانداران داده شد تا بتوانند از ظرفیت سایر استان‌ها و همچنین کشورهای همجوار برای تأمین نیازهای خود استفاده کنند.

در دوران جنگ، استانداران خط مقدم مدیریت بحران در داخل کشور بودند و این مساله تا حد زیادی از طریق تقویض اختیار محقق شد و می‌توان گفت عملکرد استانداران خودش تا حدود زیادی پاسخ‌متقدان این طرح را داد. بفرمایید مشخصاً چه اختیاراتی در دوره جنگ به استانداران تقویض شد؟

تجربه دوران جنگ نشان داد که تقویض اختیار به استانداران، سیاستی درست و کارآمد بوده است. اگر این اختیارات وجود نداشت، بسیاری از مسائل مربوط به زندگی مردم روی زمین می‌ماند. استانداران، بویژه در استان‌های مرزی، توانستند در حوزه تأمین کالا، تجارت و مدیریت امور مردم، با سرعت بیشتری تصمیم‌گیری و اقدام کنند. تجربه جنگ نشان داد که تقویض اختیارات بویژه در حوزه‌های اجرایی، می‌تواند موجب گردش‌بایی، تسریع امور و استفاده بهتر از ظرفیت‌های کشور شود. این رویکرد، همان‌طور که مورد تأکید رهبر شهیدمان و همچنین رئیس‌جمهوری محترم بوده، باید همچنان ادامه پیدا کند تا ظرفیت‌های محلی برای اجرای شایسته امور آزاد شود. البته ممکن است وزارتخانه‌ها و دستگاه‌هایی، همچون تمامی ادوار گذشته، مقاومت‌هایی داشته باشند، ولی تصور می‌کنم با نتایج

مثبتی که در ایام جنگ از تقویض اختیار شاهد بوده‌ایم، همگان به ضرورت این مهم پی برده باشند.

در ارزیابی‌های بعد از دوره تأثیر پس، آیا مواردی در مدیریت استان‌ها وجود داشت که آسیب‌شناسی شده باشد و حالا بخواهید آنها را اصلاح کنید؟ آیا استانداران همه پای کار بودند و اینکه موردی بوده که به دلیل کم‌کاری، بی‌توجهی یا بی‌مسئولیتی، به استانداری تذکر یا خطاری داده باشد؟

اینکه آیا بعد از آتش‌پس آسیب‌شناسی شده یا نه، باید بگویم بله؛ ما هم بعد از جنگ تحمیلی ۱۲روزه و هم بعد از جنگ رمضان، به‌صورت مفصل ارزیابی‌هایی درباره استان‌ها و وقایعی که در زمینه‌های مختلف اتفاق افتاده، انجام دادیم. اولین موضوع، آسیب‌های واردشده به زیرساخت‌ها و اماکن مردم بود. این موارد آسیب‌شناسی شد و تدابیری صورت گرفت تا حتی نسبت به جنگ تحمیلی ۱۲روزه، ترمیم زیرساخت‌ها، اسکان مردم و توجه به زندگی و امنیت آنها با سازوکارهایی که تدبیر شده بود با اولویت و سرعت بیشتری انجام شود. این آسیب‌شناسی هم بعد از جنگ صورت گرفته و هم در استان‌ها و هم در وزارت کشور، در حوزه‌های مختلف انجام شده است؛ در حوزه بحران، سازمان بحران، حوزه اقتصادی و حوزه‌های سیاسی. اجتماع، این موارد دسته‌بندی و به عنوان یک تجربه ثبت شده است. نظر استانداران و دستگاه‌های دیگر اخذ شده و گزارش‌های مردمی نیز در این حوزه کاملاً مورد توجه قرار گرفته است. شکل‌های مردمی، احزاب و گروه‌های سیاسی و حتی دستگاه‌های نظارتی نیز مورد توجه بوده‌اند و نقایض و آسیب‌هایی که وجود داشته، به‌صورت جدی بررسی شده است. امیدواریم این تجربه‌ای باشد که اگر خدای‌نخواهد در شرایط دیگری شبیه به این موضوع‌ها قرار گرفتیم، بتوانیم اشتباهات یا کاستی‌های موجود را به حداقل برسانیم. در رابطه با اینکه آیا تذکراتی به مسئولان استانی داده شده، این موضوع طبیعی است که چه در طول جنگ، به‌صورت برجسته‌تر و چه در روال عادی مدیریت استان‌ها، ارزیابی به‌صورت دائمی انجام می‌شود. هم بازرسی‌های سرزده از استان‌ها صورت می‌گیرد و هم استانداران و مدیران استانی به خاطر کارهایی که انجام داده‌اند، مورد تقدیر قرار می‌گیرند. من خودم شخصاً و البته معاونان محترم وزارت کشور، بعضاً در طول جنگ به‌صورت مکرر و مستمر با استانداران تماس می‌گرفتم، به آنها حقوق‌های منگتم می‌دادم و می‌رسید که در جایی نیاز به توجه بیشتر استانداران و مسئولان جنگ نیز در کنار سایر شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج این ارزیابی به استانداران اعلام شد؛ هم نقاط قوت منعکس و از آنها تشکر شد و همچنین اگر جایی نیاز به توجه جدی‌تر یا نقاط ضعفی وجود داشت، آن موضوع نیز بیان شد و برای ادامه مدیریت هر استان مورد توجه قرار گرفت.

مهم‌ترین درس آموخته‌یک سال گذشته که کشور درگیر دو جنگ بود، از دیدگاه شما چه بوده است؟

می‌توان گفت مهم‌ترین درس آموخته یک سال گذشته صیانت از تمامیت ارضی کشور و پاسداری از تمدن ایران بوده است. مردم ایران مردمی یکپارچه، منسجم، یکپزگ و غیرتمند هستند و در این شرایط نشان دادند که ایران و حفظ تمدن ایران برای آنها بسیار مهم است. آنها به یک دفاع مقدس همه‌جانبه پرداختند؛ چه آنهایی که در میدان نبرد مبارزه کردند، یعنی نیروهای سلحشور نظامی ما؛ چه مردمی که در میادین جمع می‌شدند؛ چه کسانی که در حوزه روایت‌سازی فعالیت می‌کردند. خبرنگاران عزیز نیز در این زمینه نقش مهمی داشتند. نخبگان ما با توثیق زدن، مقاله نوشتن و طرح مسائل در محافل بین‌المللی، هر کدام با هر توانی که داشتند، از ایران دفاع کردند. لره‌ای غیور ما نیز با روحیه و وسایل دفاعی شخصی خود، مثلاً سلاخی که برای حفاظت از دام‌هایشان در مناطق عشایری داشتند، در برابر هوایپماهای دشمن ایستادند و شلیک کردند. اینها در واقع صحنه‌هایی هستند که درس‌های بزرگی در خود دارند و در تاریخ می‌ماند. البته ایرانیان چنین سوابقی را در تاریخ بسیار دارند. نکته دیگر این است که همه ما باید بدانیم نیروهای نظامی و توانمندی نظامی و موشکی ما سرمایه ملی هستند. نیروهای مسلح ما، از سپاه و ارتش و سایر نیروها گرفته تا بسیج و نیروی انتظامی، فراجا و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سرمایه‌های ملی ما هستند که باید از آنها دفاع کنیم، قدرشان را بدانیم و از آنها محافظت کنیم. اینها سرمایه‌های ملی و متعلق به همه مردم ایران هستند و به نظرم مردم قدر آنها را می‌دانند. هم مردم باید به عنوان سرمایه ملی از آنها دفاع کنند و هم خود نیروهای مسلح، الحمدلله، به‌گونه‌ای رفتار کردند که در کنار مردم و در میدان، اقتضای شرایط اینها درس‌ها و تجربه‌های ارزشمندی هستند که می‌توان درباره آنها کتاب‌ها نوشت و با افتخار در تاریخ به ثبت رساند و قاعدتاً این روایت‌ها شکل خواهد گرفت.

• یادداشت •

انسجام ملی در دوران پساجنگ:

ظرفیت‌ها و آزمون‌های پیش‌روی دولت چهاردهم



محسن مسعودیان

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

طی یک سال گذشته، جامعه ایران همزمان با چند بحران درهم‌تنیده مواجه بوده است: جنگ‌های تحمیلی ۱۲روزه و ۴۱روزه با ائتلاف آمریکا و اسرائیل موسوم به جنگ رمضان در اسفند ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، تشدید تحریم‌های اقتصادی، بازگشت محاصره دریایی در تنگه هرمز و اختلال در ترانزیت نفت و کالا، و در کنار همه اینها، توری که بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول در سال گذشته به حدود ۵۰.۹ درصد رسید و برای سال جاری نیز با لا پیش‌بینی می‌شود. این ترکیب از تهدید امنیتی و فشار معیشتی، پرسشی جدی را پیش روی جامعه‌شناسان سیاسی و سیاست‌گذاران قرار داده است: آیا انسجامی که در بزنگاه‌های بحرانی شکل می‌گیرد، می‌تواند در دوران پسابحران نیز تداوم یابد و دولت در این میان چه نقشی ایفا می‌کند؟

انسجام اجتماعی: از واکنش هیجانی تا سرمایه‌پایدار

در ادبیات جامعه‌شناسی کلاسیک، تهدید خارجی معمولاً یکی از قوی‌ترین محرک‌های همبستگی درونی جوامع شناخته می‌شود؛ آنچه دورگیم آن را همبستگی مکانیکی برخاسته از احساس مشترک خطری نامید. نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط نهادهایی نظیر مرکز افکارسنجی خبرگزاری دانشجویان ایران در فاصله جنگ ۱۲روزه سال ۱۴۰۴ و جنگ رمضان نشان داده‌اند که برخلاف پیش‌بینی برخی تحلیل‌گران مبنی بر تشدید قطبی‌شدگی اجتماعی، آنچه در عمل رخ داد بازگشت به ارزش‌های مشترک هویتی و افزایش همدلی میان اقشار مختلف بود؛ روندی که پژوهشگران عمدتاً ریشه آن را در احساس میهن‌دوستی، همبستگی انسانی و پیوندهای مذهبی و فرهنگی جست‌وجو کرده‌اند. با این حال، نکته کلیدی در ادبیات جامعه‌شناسی بحران این است که همبستگی برخاسته از تهدید، ماهیتی موقت و واکنشی دارد و تنها در صورتی به سرمایه اجتماعی پایدار بدل می‌شود که نهادهای رسمی، بویژه دولت، آن را در قالب سیاست‌گذاری‌های ملموس تثبیت کنند.

رویکرد دولت چهاردهم: پرهیز از دوقطبی‌سازی

مسعود پزشکیان از آغاز دولت چهاردهم بارها بر ضرورت انسجام داخلی به عنوان پیش‌شرط عبور از فشارهای بیرونی تأکید کرده و اختلاف نظر کارشناسی را امری طبیعی دانسته، اما هشدار داده که این اختلاف نباید به شکاف و رویارویی اجتماعی بدل شود؛ رویکردی که در گفتمان رسمی دولت با عنوان وفاق ملی شناخته می‌شود.

رئیس‌جمهوری در سخنان اخیر با اشاره به اینکه دولت از همان آغاز کار خود همزمان با جنگ، تحریم، ترور و ناترازی‌های ساختاری در حوزه‌های آب، برق، گاز و نظام بانکی روبه‌رو بوده، بر ضرورت حفظ همدلی میان مردم و حاکمیت تأکید کرده است. در سطح سیاست‌گذاری نیز تلاش‌هایی مانند بگیری الحاق به کنوانسیون‌های مالی بین‌المللی، پالرمو و CFT، و رفع برخی محدودیت‌های فضای مجازی را می‌توان تلاش برای پاسخ به مطالبات اجتماعی دانست که در بستر همان انسجام دوران بحران مطرح شده بودند.

چالش محاصره اقتصادی: آزمون سخت انسجام

با این‌همه، تداوم محاصره دریایی در تنگه هرمز و اختلال در صادرات نفت، هزینه حمل‌ونقل دریایی در برخی مسیرها را تا چند برابر افزایش داده و نرخ بیمه کشتیرانی در مناطق پرریسک را نیز بالا برده است. صندوق بین‌المللی پول برای اقتصاد ایران در سال جاری اقباضی نزدیک به ۲.۸ درصد پیش‌بینی کرده، در حالی که نرخ بیکاری نیز رو به افزایش گذاشته است. این شرایط، گسل بالقوه‌ای میان همبستگی هویتی و امنیتی و مطالبات معیشتی روزمره مردم ایجاد می‌کند. بخشی از افکارعمومی و برخی صاحب‌نظران اقتصادی به‌درستی یادآوری می‌کنند که جامعه‌ای که در روزهای بحران از کشور خود دفاع کرده، اکنون به‌طور طبیعی انتظار دارد نشانه‌های محسوس‌ای از بهبود معیشت، کاهش نااطمینانی اقتصادی و روشن شدن افق آینده را ببیند. اگر این انتظار بی‌پاسخ بماند، همان انسجامی که در روزهای جنگ شکل گرفت می‌تواند به تدریج جای خود را به نارضایتی دهد.

نقد متوازن: میان دستاورد و کاستی

انصاف حکم می‌کند که نقش دولت در مدیریت بحران امنیتی و جلوگیری از فروپاشی نظم اجتماعی در بحبوحه جنگ را نادیده نگرفت. بخش قابل‌توجهی از افکارعمومی نیز عملکرد دولت در تأمین نیازهای پایه جامعه در دوران جنگ را مثبت ارزیابی کرده‌اند.

اما در عین حال، منتقدان دولت به‌درستی تأکید می‌کنند که



مسئولیت شرایط اقتصادی کنونی را نمی‌توان یکسره به عامل جنگ و تحریم فروگاست و بخشی از ناترازی‌های ساختاری در حوزه انرژی، ازرو نظام بانکی پیش از بحران‌های اخیر نیز وجود داشته است. رسانه‌های منتقد دولت بر این نکته پای می‌گذارند که وعده‌های دیپلماتیک بدون دستاورد ملموس اقتصادی می‌تواند به فرسایش تدریجی اعتماد عمومی بینجامد. این نقد‌ها، ولو با لحنی متفاوت از روایت رسمی، بخشی ضروری از گفت‌وگوی دموکراتیک درباره مسیر پیش روی کشور است و نباید در سایه گفتمان انسجام ملی به حاشیه رانده شود.

از انسجام هیجانی به انسجام نهادی: ضرورت سرمایه‌گذاری اجتماعی

آنچه ادبیات جدید سیاست‌رفاهی، بویژه رویکرد سرمایه‌گذاری اجتماعی که نظریه‌پردازانی چون همریک آن را صورت‌بندی کرده‌اند، بر آن تأکید دارد، این است که انسجام اجتماعی پایدار نه صرفاً محصول لحظات هیجانی دفاع از میهن، بلکه نتیجه سرمایه‌گذاری مستمر در سرمایه انسانی، شبکه‌های حمایتی و عدالت توزیعی است. برای دولت چهاردهم، این بدان معناست که گفتمان وفاق ملی باید با اقدامات ملموس در حوزه کنترل تورم، حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر و شفافیت در سیاست‌گذاری اقتصادی همراه شود. در غیر این صورت، این ریسک وجود دارد که انسجام برخاسته از بحران امنیتی، به بحران معیشتی بعدی رگن بازاز. تجربه ایران در دوران پس از جنگ رمضان، نشان داد که جامعه ایرانی در برابر تهدید بیرونی ظرفیت قابل‌توجهی برای همبستگی از خود نشان می‌دهد. اما پایداری این انسجام، آزمونی است که در میدان اقصاد و معیشت روزمره، نه در میدان نظامی، سنجیده خواهد شد. دولت چهاردهم اگر بتواند گفتمان وفاق ملی را با سیاست‌های اقتصادی مؤثر و شفاف تلفیق کند و در عین حال فضا را برای نقد و گفت‌وگوی سازنده باز نگه دارد، می‌تواند این سرمایه اجتماعی گرنازه را از یک واکنش موقتی به بحران، به یک دستاورد نهادی و بلندمدت برای کشور بدل سازد.



حقایقی در پی سایه‌ها

همگام با کارآگاه انوش در مردی به نام سایه و ناپدید شدن دختری با چشمان آبی نوشته داریوش عابدی

داستان معمایی

بهار خسروی

گروه کتاب

داستان‌های پلیسی و معمایی از محبوب‌ترین گونه‌های ادبیات داستانی به حساب می‌آیند که بر پایه راز، تعلیق و کشف حقیقت شکل می‌گیرند. در این داستان‌ها معمولاً حادثه‌ای رموز مانند قتل، سرقت یا گم شدن شخصیت داستان رخ می‌دهد و کارآگاه، پلیس یا حتی یک فرد عادی تلاش می‌کند با کنار هم گذاشتن سرخ‌ها، حقیقت ماجرا را آشکار کند. جذابیت این نوع داستان‌ها در این است که خواننده همزمان با قهرمان داستان وارد مسیر کشف راز می‌شود و مدام حدس می‌زند چه کسی مجرم است و چگونه ماجرا حل خواهد شد. در بسیاری از این آثار، خود کارآگاه یا شخصیت جست‌وجوگر نیز فردی زخم‌خورده، حاشیه‌نشین و درگیر بحران‌های هویتی است؛ کسی که حل کردن پرونده، برای او صرفاً یک شغل نیست، بلکه به نوعی مسیری برای رسیدن به رستگاری، مواجهه با سایه‌های درونی و تلاش برای یافتن معنا در دنیایی پیچیده و پر از معما تبدیل می‌شود. به این ترتیب، خواننده در پس لایه‌های هیجان و تعلیق، با آیین‌های از تارک‌ترین و پنهان‌ترین زوایای روح انسان نیز مواجه می‌شود. داستان‌های پلیسی و معمایی معمولاً با یک پرسش بزرگ شروع می‌شوند: «چه اتفاقی افتاده؟» و بعد، همه چیز حول پیدا کردن جواب این سؤال می‌چرخد. نویسنده سرخ‌ها را کم‌کم و حساب‌شده جلو پای خواننده می‌گذارد؛ بعضی سرخ‌ها واقعی‌اند و بعضی دیگر فقط برای گمراه کردن ذهن خواننده طراحی شده‌اند.



مردی به نام سایه

- نویسنده: داریوش عابدی
- انتشارات: قدیانی
- تعداد صفحات: ۲۴۴ صفحه
- قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، واحد ادبیات حوزه هنری و نشریه «هنرجویان پیک قصه‌نویسی» همکاری داشته است. اولین مجموعه داستان‌ش با نام «آن‌سوی مه» در سال ۱۳۶۶ منتشر شد و پس از آن، دو مجموعه «زنگ آخر» در ۱۳۶۸ و «غم این خفته» در ۱۳۶۹ به چاپ رسید. عابدی سال ۱۳۷۰ نیز کتاب آموزشی «پلی به‌سوی داستان‌نویسی» را برای نوجوانان منتشر کرد و پس از چند سال وقفه، بار دیگر فعالیت ادبی خود را با انتشار مجموعه داستان «رویای شرقی» در سال ۱۳۷۵ از سرگرفت. در همان سال، رمان «کارآگاه سرگرد» و سال بعد رمان «هنرپیشه» نیز از او منتشر شد. دو اثر دیگرش، «گزیده ادبیات معاصر» و «حکایت سندباد بحری» در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیدند. از دیگر آثار او می‌توان به «مان‌های من، بابا و یک گماندو»، «افسانه سه‌ه‌ند و س‌ندباد»، «حضور»، «ماجراهای آن شب»، «نقش‌پندان»، «این داستان ادامه دارد»، «مولوی» و «بابا‌بزرگ خوب من» اشاره کرد.

سایه‌هایی در پس پرده

ماجراهای کارآگاه انوش در حوزه ادبیات جوان طبقه‌بندی می‌شود و به دلیل لایه‌های روان‌شناختی و اجتماعی‌اش، برای مخاطب بزرگسال نیز جذابیت‌های خاص خود را دارد. در رمان «مردی به نام سایه» کارآگاه انوش در فضای شهری و معاصر، با یک معمای پیچیده روبه‌رو می‌شود. کارآگاه انوش حین بررسی این پرونده جدید به حقایق متفاوت و عجیب از گذشته مبارزاتی برخی از افراد دست پیدا می‌کند. نقطه آغازین و محرک داستان مرگ مشکوک شخصی به نام «سمعی» است. تخصص این نویسنده و پژوهشگر که به قتل رسیده، مکتوب کرد خاطرات شخصیت‌های مبارز بوده و در واقع حافظه مکتوب یا تاریخ‌نگار شخصی این افراد نیز به حساب می‌آمده است. زمانی که کارآگاه انوش وارد پروسه تحقیق درباره این مرگ -که ابتدا ممکن است یک حادثه یا خودکشی به نظر برسد- می‌شود، در می‌یابد که سمعی در حال کار روی پروژه‌ای حساس بوده است. به استناد و اطلاعاتی دست‌یافته بود که روایات جافتاده از زندگی توج‌ه برخی از این چهره‌های یک گروه چریکی را به چالش می‌کشید. در حالی که انوش سعی دارد قطعات پازل را کنار هم بگذارد، متوجه می‌شود که با سایه‌هایی در این پرونده روبه‌روست؛ شخصیت‌های مرموز و ناشناخته‌ای که دوست ندارد بخش‌های پنهان گذشته‌شان برملا شود و ممکن است در این میان دست به هر کاری بزنند. داستان حول این پرسش پیش می‌رود که آیا سمعی قربانی دانستن یک راز

بزرگ از یک گروه مخفی شده است؟ و این سایه‌ها، نمادی از قاتل هستند یا نمادی از آن بخش تاریک زندگی شخصیت‌هایی که سمعی درباره‌شان می‌نوشته؟ شخصیت کارآگاه انوش در این داستان تنها ابزاری برای حل پرونده نیست.



ناپدید شدن دختری با چشمان آبی

- نویسنده: داریوش عابدی
- انتشارات: قدیانی
- تعداد صفحات: ۲۱۶ صفحه
- قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

او در مسیر تحقیق، بارها ناچار می‌شود درباره مفهوم حقیقت، اعتبار خاطره و امکان تحریف گذشته بیندیشد. هر شهادت، بخشی از ماجرا را روشن می‌کند، اما همزمان پرسش تازه‌ای پیش روی او می‌گذارد: آیا خاطرات، بازتاب صادقانه گذشته‌اند یا روایتی هستند که افراد برای حفظ تصویر کنونی خود ساخته‌اند؟ «مردی به نام سایه» با نثری جذاب، خواننده را به سفری در اعماق ذهن و محرک داستان مرگ مشکوک شخصی به نام «سمعی» است. تخصص این نویسنده و پژوهشگر که به قتل رسیده، مکتوب کرد خاطرات شخصیت‌های مبارز بوده و در واقع حافظه مکتوب یا تاریخ‌نگار شخصی این افراد نیز به حساب می‌آمده است. زمانی که کارآگاه انوش وارد پروسه تحقیق درباره این مرگ -که ابتدا ممکن است یک حادثه یا خودکشی به نظر برسد- می‌شود، در می‌یابد که سمعی در حال کار روی پروژه‌ای حساس بوده است. به استناد و اطلاعاتی دست‌یافته بود که روایات جافتاده از زندگی توج‌ه برخی از این چهره‌های یک گروه چریکی را به چالش می‌کشید. در حالی که انوش سعی دارد قطعات پازل را کنار هم بگذارد، متوجه می‌شود که با سایه‌هایی در این پرونده روبه‌روست؛ شخصیت‌های مرموز و ناشناخته‌ای که دوست ندارد بخش‌های پنهان گذشته‌شان برملا شود و ممکن است در این میان دست به هر کاری بزنند. داستان حول این پرسش پیش می‌رود که آیا سمعی قربانی دانستن یک راز



«کارآگاه خصوصی در دفترش»: تصویرسازی دیجیتال با حال‌وهوای فیلم نوآر

کارآگاه انوش، لایه‌هایی از دغدغه‌های ذهنی جوانان را نیز نشانه بگیرد. خواننده در حین خوانش این کتاب، یک معما را همراه با کارآگاه انوش در ذهن خود می‌پروراند و تا صفحات پایانی کتاب‌آن را دنبال می‌کند. عابدی بین گذشته تاریخی و زمان حال ایجاد کرده که تلاشی برای هویت‌بخشی به تاریخ بوده است. به نوعی، سایه همان حقیقت سرکوب‌شده‌ای است که هرچه شخصیت‌ها بیشتر از آن فرار می‌کنند، حضورش پررنگ‌تر می‌شود. رمان با تکیه بر این ایده، مخاطب را وادار می‌کند پس از پایان معما نیز به نسبت میان خاطره، هویت و حقیقت بیندیشد. کتاب با ساختاری خطی اما با گره‌افکنی‌های متوالی و پشت سر می‌پیش می‌رود و برخلاف آثار پلیسی کلاسیک که کارآگاه در مرکز قدرت است، کارآگاه انوش با نوعی بی‌اعتمادی به اطرافیان روبه‌روست. او میان اعتماد و تردید حرکت می‌کند و حتی نسبت به کسانی که به او کمک می‌کنند، جانب احتیاط را نگه می‌دارد.

در جست‌وجوی حقیقت

«ناپدید شدن دختری با چشمان آبی» هفتمین جلد از مجموعه کارآگاه انوش است. داستان این جلد، حول محور ناپدید شدن ناگهانی دختری جوان می‌چرخد. این اتفاق، جرقه‌ای برای آغاز یک جست‌وجو است؛ جست‌وجویی که تنها به یافتن

ورود به هزارتوی جنایت

«معمای الموت» نوشته داریوش عابدی چهارمین جلد از مجموعه کارآگاه انوش است که در بستری از روابط پیچیده خانوادگی و اجتماعی پیش می‌رود و به بررسی یک پرونده قتل مشکوک می‌پردازد. داستان با روایتی خطی و جزئی‌نگر، ماجرای قتل «رخساره»، هنرپیشه سرشناس تلویزیون و شبکه خانگی را روایت می‌کند. فضای داستان در تهران و حال و هوای تعطیلات عید

رخ می‌دهد و علاوه بر جنبه معمایی به لایه‌های اجتماعی برای خودشناسی می‌پردازد و واقع‌گرایانه از پیچیدگی‌های روح انسان ارائه می‌دهد. این رمان نه تنها به بازتاب تنش‌های فردی می‌پردازد، بلکه به گونه‌ای غیرمستقیم، نقدی بر انتظاراتی دارد که فرد را به سوی انزوا می‌کشاند و مخاطب را به تفکری عمیق درباره ماهیت و هویت وجودی انسان دعوت می‌کند. بزرگ‌ترین نقطه قوت این اثر، تلاش برای پیاده‌سازی قواعد کلاسیک کارآگاهی در بستر جامعه و فضای شهری است. این بومی‌سازی برای خواننده جذاب است؛ چون معماها و موقعیت‌هایی را می‌بیند که به محیط اطرافش شباهت دارد. نویسنده با بهره‌گیری از الگوی کلاسیک داستان پلیسی، سعی کرده نه تنها یک معما را پیش ببرد، بلکه با تکیه بر کاراکتر



کتاب‌های

«ماجراهای

کارآگاه

انوش»

مجموعه‌ای

از رمان‌های

پلیسی و

معمایی

است

که فقط

سرگرمی

و معمایی

نیستند و

به مسائل

اجتماعی

نیز توجه

دارند؛

ازجمله

قاجاق

انسان،

اعتیاد،

خشونت و

آسیب‌های

اجتماعی.

بنابراین

پرونده‌های

کارآگاه

انوش در

بسترهایی

واقعی و

آشنا شکل

می‌گیرند

و خبری از

جهان کاملاً

انتزاعی

و دور از

زندگی

روزمره

نیست

یک شخص ختم نمی‌شود، بلکه به مرور خاطرات، روابط انسانی و واکاوی شخصیت‌های درگیر در ماجرا هم می‌پردازد. نویسنده با استفاده از این تعلیق پلیسی-معمایی، بستری فراهم می‌کند تا به لایه‌های عمیق‌تر و درونی‌تر ذهن شخصیت‌ها نفوذ کند. این شروع معمایی، بلافاصله کنج‌های خواننده را تحریک می‌کند و کشش مناسبی برای دنبال کردن ماجرا به وجود می‌آورد. مخاطب همراه با کارآگاه انوش با تمرکز بر حل معما و جست‌وجوی سرخ‌ها پیش می‌رود تا در نهایت به رسیدن به پاسخ و بازگشت دختر داستان ختم شود. کارآگاه انوش با استفاده از مشاهده دقیق نشانه‌ها، پرس‌وجو از اطرافیان و کنار هم گذاشتن قطعات پازل تلاش می‌کند تا بفهمد سوفیا-دختر دوستش- به کجا رفته و چه اتفاقی برای او افتاده است. او برای پیدا کردن سوفیا به بندر می‌رود و در آنجا متوجه می‌شود ناپدیدشدن سوفیا بخشی کوچکی از یک جنایت بزرگ است. انوش کارآگاهی جوان، باهوش و تا حدی متفاوت است که درگیر پرونده‌های جنایی یا معمایی مختلفی می‌شود. این کارآگاه معمولاً با تیزبینی و دقت، مشاهده‌گری دقیق و پیگیری سرخ‌ها به راز پرونده نزدیک می‌شود و در مسیر کشف حقیقت با موقعیت‌های خطرناک و پیچیده‌ای مواجه می‌شود. شخصیت‌پردازی او به خوبی شکل گرفته و برای خواننده ملموس و باورپذیر شده است.

«ناپدید شدن دختری با چشمان آبی» مخاطب را به دل یک ماجرای پلیسی پرکشش می‌کشاند. این جلد از مجموعه «کارآگاه انوش»، با فضاسازی قوی و تعلیقی که در جای‌جای داستان گنجانده شده، خواننده را تا آخرین صفحه با خود همراه می‌کند. تعلیق هم از طریق پنهان‌کاری شخصیت‌ها پیش می‌رود، نه صرفاً از طریق اطلاعاتی که نویسنده از خواننده پنهان می‌کند؛ همین ویژگی باعث می‌شود مخاطب حس کند در کنار انوش و هم‌دوش او رازگشایی می‌کند. خواننده در طول داستان تردیدها، حدس‌ها و پشیمانی‌های انوش را لمس می‌کند و در لحظه‌ای تصمیم‌گیری سخت و پیچیده، او را به یک قهرمان دست‌یافتنی، بلکه کارآگاهی جسور با ترس‌ها و بلاتکلیفی‌هایش می‌بیند. در واقع مخاطب با انسانی روبه‌روست که از طریق خطا، بازنگری و کناره‌گذاشتن جزئیات به پاسخ نزدیک می‌شود.

انوش در این داستان تنها با حدس و گمان جلو نمی‌رود، بلکه به خواننده نشان می‌دهد چگونه باید با مشاهده دقیق محیط و تحلیل منطقی سرخ‌ها، گره‌های بزرگ را باز کرد. این کتاب علاوه براینکه یک داستان سرگرم‌کننده است، ابزاری عالی برای تقویت مهارت‌های استدلالی و تفکر انتقادی برای جوانان نیز محسوب می‌شود. دغدغه‌ها، بحران‌های روحی، لجاجت‌ها و رفتارهای دفاعی نسل جوان در این کتاب که به خوبی به تصویر کشیده شده است. نویسنده توانسته حس تنهایی، سوتفاهم‌های مداوم میان نوجوانان و والدین و تلاش برای پیدا کردن هویت مستقل را به خوبی به رشته تحریر در بیاورد. فضاسازی‌ها و توصیف روابط خانوادگی در بستر جامعه امروز رمان‌های خواننده واقعی و ملموس بوده و تصویری قابل باور از چالش‌های خانوادگی به تصویر کشیده شده است.



پی می‌برد. در کنار خط اصلی داستان، نویسنده با پرداختن به گذشته شخصیت‌ها، انگیزه‌ها و رازهای خانوادگی، فضای تعلیق و ابهام را تا پایان صفحات حفظ می‌کند. نقطه شروع داستان، پیدا شدن پیکری جان‌رخساره در استخر منزل شخصی‌اش است. در نگاه اول، صحنه جرم هیچ اثر آشکاری از درگیری فیزیکی نشان نمی‌دهد. سروان انوش با پذیرش این پرونده، وارد هزارتویی از مظنونان و فرضیات

مثلت داستان‌های پلیسی

داریوش عابدی

نویسنده



نوشتن داستان پلیسی پروژه‌ای بود که از چند سال گذشته برای خودم تعریف کردم. شروع این پروژه با رمان «مأمور مذاکره» کلید خورد. داستان‌های پلیسی را با محوریت کارآگاه انوش شروع کردم و در همه کتاب‌ها این شخصیت به صورت ثابت اما با داستان‌های متفاوت تکرار شد. کتاب‌های ششم و هفتم با عنوان‌های «مردی به نام سایه» و «ناپدید شدن دختری با چشمان آبی» با هم به بازار نشر راه یافته است. به‌تازگی کتاب دیگری هم از این مجموعه به اتمام رسانده‌ام که امیدوارم با توجه به شرایط نشر به چاپ برسد. هر کدام از کتاب‌های ماجراهای کارآگاه انوش، داستانی را دنبال می‌کند، مثلاً رمان «مأمور مذاکره» در مورد خون‌های فاسد بود که باعث کشته شدن افراد بسیاری شد و مردم نسبت به این قضیه واکنش‌های زیادی داشتند. یا «راز مرگ امیرعلی فرزانه» در مورد قتل‌های زنجیره‌ای زنان بود. انوش یک سروان زخم‌خورده است که خانواده‌اش در اوایل انقلاب به خاطر یک سوءتفاهم از شمال ایران بیرون شدند. در رمان «رقص خنجر» خواهرش و در رمان «مأمور مذاکره» دخترش به طرز فجیعی کشته می‌شود. آدم سرسختی است که در مسائل کاری مرتبط با پرونده‌هایش اصلاً کوتاه نمی‌آید. او با وجودی که در پرونده‌های خیلی پیچیده موفق عمل کرده اما سال‌هاست که درجه‌ای نگرفته و هنوز سروان مانده است. گاهی از کمک‌های ناشیانه پدر یا دخترش در پیشبرد پرونده‌ها استفاده می‌کند. هوش و دقت زیادی دارد و موقعی که روی پرونده‌ای کار می‌کند، هیچ نکته‌ای از نگاهش دور نمی‌ماند.

اینکه چطور به سراغ نوشتن رمان پلیسی رفتم و اینکه چه شد و چه اتفاقی در ذهنم پیش آمد را نمی‌دانم. قبل از این پروژه، رمان‌هایی که نوشته‌ام پلیسی نبودند، یک‌دفعه به این سمت رفتم و خودم راضی هستم. با توجه به نظراتی که می‌خوانم و صحبت‌هایی که می‌شنوم، خوانندگان بیشتر جنبه معمایی کتاب را دوست دارند و برایشان جالب است. رمان پلیسی به موضوعات مختلفی همچون مسائل اجتماعی و انسانی می‌پردازد و خیلی راحت می‌تواند وارد فضاهای ممنوعه صاحب قدرت و ثروت شود و مسائل ناگفته آنها را رو کند که این ظرفیت در رمان‌ها با ژانرهای دیگر کمتر است. ولی متأسفانه این ژانر در ایران مورد بی‌توجهی قرار گرفته و داستان‌های زنجیره‌ای پلیسی خیلی کم نوشته شده است. یک عدم آشنایی با داستان‌های پلیسی در جامعه ما وجود دارد. من کتاب‌های تئوریک هم در این زمینه ندیدم یا خیلی کم هستند. در حالی که در غرب، خیلی روی این ژانر کار شده و بسیار پرطرفدار هم هست.

مثلت کارگاه، قاتل و مقتول

از نظر من داستان معمایی و پلیسی نباید لو برود و خواننده باید تا آخر داستان در تعلیق باقی بماند. تعلیق باعث می‌شود خواننده تا صفحه آخر کشش لازم را برای ادامه دادن کتاب داشته باشد. مثلاً پنج مظنون در داستان آورده شود، وقتی خواننده نتواند درست حدس بزند در آخر با شناسایی قاتل توسط کارآگاه غافلگیر شود، جذابیت و کنش داستان برایش بالاتر می‌رود. اگرچه داستان‌های پلیسی پیام‌های اجتماعی و انسانی دارند ولی یک بخش عمده جذابیت و هیجان آن، این است که خواننده همراه کارآگاه دنبال قاتل بگردد.

رمان‌های ژانر پلیسی باید طرح شکنجانه و مهندسی‌شده‌ای داشته باشند. همه ماجراهای داستان و گره‌های آن باید از قبل درای نویسنده روشن باشد، در غیر این صورت ممکن است خواننده دستش را بخواند، قاتل را شناسایی و رمان را رها کند. نکته دیگر این است که این نشانه‌ها باید با مهارت، لایه‌لایه قسمت‌های مختلف و موقعیت‌های داستان جای‌گذاری شود. ماجرای فرعی، روایت گاذب و دیالوگ‌ها باید به دقت نوشته شود تا ردی از قاتل بر جای نماند، از طرفی هم باید به گونه‌ای آورده شوند که وقتی خواننده دوباره به رمان مراجعه می‌کند، ببیند این نشانه‌ها وجود داشته اما خیلی سرسری از کنارش گذشته است. انکار وقتی گره‌های داستان‌های معمایی باز شود، دیگر کاملاً کارگذاشتن را از دست می‌دهد و آن جذابیت اولیه را برای مخاطب ندارد.

من سعی می‌کنم رمان‌هایی که می‌نویسم، صرفاً یک رمان معمایی نباشد و ظرفیت‌های بیشتری هم داشته باشد. یک نکته در مورد قصه‌های پلیسی این است که نویسنده اول باید یک مثلث را طراحی کند: کارگاه، قاتل و مقتول. این مثلث اگر برای من کار کند، داستان پیش می‌رود. هر قدر بیشتر بنویسم، می‌توانم این مثلث را بپرچانم، گاهی اوقات قاتل، مقتول می‌شود یا حتی گاهی کارگاه قاتل از آب درمی‌آید. نکته دیگر این است که در داستان‌های معمولاً دو داستان وجود دارد: یک داستانی که مخاطب آن را می‌خواند و پیش می‌رود، یک قصه هم نشانه‌هایش در داستان وجود دارد و کارگاه آخر داستان، شکل‌گیری آن ماجرا و جنایت را تعریف می‌کند و به این ترتیب دست قاتل رو می‌شود. وقتی نویسنده رمان می‌نویسد، باید این دو جنبه به‌خصوص قصه دوم را کاملاً از ذهن خود برپوراند و به‌طور کامل در ذهنش باشد که بتواند نشانه‌ها را ماهرانه در طول داستان و در جاهای مختلف تعبیه و گنجانده کند. قبل از چاپ رمان‌های پلیسی از دوستانم می‌خواهم آن را بخوانند، خودم هم چند بار مرور می‌کنم که سرخ‌ها را جای درستی آورده باشم تا داستان لو نرود و اگر با چنین چیزی مواجه شوم یا فردی که داستان را خوانده قاتل را شناسایی کند، آن نکته را حذف می‌کنم.

یک بازی لذتبخش

همه ما دارای یک جهان‌بینی هستیم و هدف‌هایی در زندگی خود داریم. در قصه نوشتن هم به این صورت است، ولی اگر بخوایم روی پیام داستان تأکید کنیم، یک فضای قصه را می‌گیرد. یعنی عنصری می‌شود که خیلی جلوی چشم می‌آید و خواننده را فراری می‌دهد؛ او نمی‌خواهد در حین خواندن داستان موظفه شود. هر چند که در انتهای داستان‌های پلیسی، معمولاً عدالت حاکم می‌شود و دارای پیام است و دیگر نیاز نیست که بتواند خودش به لایه‌ای نوشته‌ها و موقعیت‌ها پیامی را به صورت پنهان قرار دهد. در قصه‌های پلیسی، زبان هم باید خیلی شسته و رفته و تر و تمیز باشد. به قول ژرژ سیمونون-نویسنده فرانسوی و پلیسی‌نویس معروف- که می‌گوید: «تمام صفت‌ها و قیده‌ها را باید بزنند»، بدون واسطه باید زبان نویسنده به گونه‌ای باشد که خواننده را وارد داستان کند، پس از آن نیز هیچ مانعی نباید ایجاد کند. به‌طور مسلم هیچان باید در داستان‌های پلیسی و معمایی باشد، اگر نباشد دیگر خواننده را همراه خودش به داخل داستان نمی‌برد. من مابین قصه‌های پلیسی، رمان هم برای رده سنی نوجوان می‌نویسم. راستش نمی‌دانم کدام راز به من استراحت می‌دهد. از نوشتن برای نوجوان راضی هستم و برایم لذتبخش است. از وقتی داستان پلیسی شروع کردم، برای داستان‌های نوجوان هم یک ساختار معمایی طراحی می‌کنم و این ساختار معمایی به من خیلی لذت می‌دهد. اینکه نمی‌خواهم دستم را برای مخاطب خودم رو بیاورم، مثل یک بازی در ذهنم می‌ماند که یک لذت خاصی را برارم به همراه دارد. در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت داشتم و مربی روستایی بودم. در دوره‌ای هم کارشناس ادبی شدم. آن زمان به آثار کودکان پاسخ داده و به آنها آموزش می‌دادم. برای همین با فضای ذهنی آنها تا حدودی آشنا هستم. اگر این آشنایی نبود، کار برای نوجوان خیلی برام سخت می‌شد. نوع کارم به گونه‌ای بود که به‌طور مرتب با فضای ذهنی، آثار و دیدگاه‌های بچه‌ها کاملاً آشنایی پیدا کردم و موقع نوشتن، دیگر کار سختی در پیش نداشتم.

